

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



معنی و نکات درس

یاد حسین (ع)

۱ شد چنان از تَفِ دل کامِ سخنور تشنه  
 خشک گردید هم از دودِ دل و دیده، دوات  
 آه و افسوس از آن روز که در دشتِ بلا  
 با لبِ خشک و دل سوخته و دیده تر  
 ۵ همچو ماهی که فُتد ز آبِ برون، آلِ نبی  
 آلِ احمد همه عِشاقان ز بزرگ و کوچک  
 تشنه لب کشته شود در لبِ شط از چه گناه  
 بُرد عباس جوان، ره چو سوی آبِ فرات  
 گشت از کَلکِ «فدایی» چو دلش دود بلند

که ردیفِ نَخش آمده یک سر تشنه  
 خامه با سوز، رقم کرد به دفتر تشنه  
 بود آن خسرو بی لشکر و یاور تشنه  
 غرقه بحر بلا بود در آن بر تشنه  
 می‌پیدی دلشان، سوخته در بر تشنه  
 نسل حیدر همه از اکبر و اصغر تشنه  
 آنکه سیراب کند در لب کوثر تشنه؟  
 ماند بر یاد حسین تا صفِ محشر تشنه  
 بر ورق کرد رقم، بس که مکرر تشنه

### فدایی مازندرانی



۱- آن چنان از سوز و گداز واقعه کربلا دهان شاعر خشک و تشنه لب شده است که این تشنگی در شعر او هم تأثیر گذاشته است و کلمه تشنه را ردیف شعر خود قرار داده است.

۲- همچنین از آه و سوز، دل جوهر هم خشک شد و قلم با سوز و گداز، کلمه ی تشنه را بر دفتر نوشت.

**آرایه ها:** دوات و خامه و دفتر (مراعات نظیر)-خامه با سوز(تشخیص)

۳- آه و افسوس از آن روزی که در سرزمین کربلا، امام حسین بدون لشکر و یاور تشنه لب بودند.

۴- امام حسین با لب خشک و دل سوخته و چشم گریان در حالی که گرفتار دریایی از بلا، و مصیبت بودند در آن بیابان تشنه لب بودند.

**آرایه ها:** خشک و تر (تضاد)-لب و دل و دیده(مراعات نظیر)-بحر بلا (اضافه تشبیهی)

۵- خاندان پیامبر همچون یک ماهی که از آب بیرون می افتد. قلب سوخته شان در سینه (بیابان) می تپید.

**آرایه ها :** مصراع دوم (ایهام) - مصراع ۱ : آل نبی (مشبه) - ماهی (مشبه به)

۶- خاندان پیامبر همه از بزرگ تا کوچک تشنه بودند و فرزندان حضرت علی همه از علی اکبر تا علی اصغر تشنه بودند.

**آرایه ها :** بزرگ و کوچک (تضاد) - اکبر و اصغر (تضاد) - مصراع ۲ (ایهام)

۷- به چه گناهی کسانی که اختیار آب کوثر در بهشت را دارند ، باید در کنار رود بی ارزشی چون فرات ، تشنه لب کشته شوند.

**آرایه ها :** سیراب و تشنه (تضاد)

۸- وقتی حضرت ابولفضل دست پیدا کرد به آب فرات، از آن آب ننوشید و تا قیامت به یاد حسین تشنه لب ماند.

۹- از قلم مانند دلش دود بلند شد از بس که پی در پی کلمه تشنه را بر صفحه ی کاغذ نوشت.

**آرایه ها :** «فدایی» (تخلص)

## نکته ها :

قافیه همیشه در شعر قرار دارد.

ردیف: کلماتی که عیناً بعد از قافیه قرار میگیرد.

همی شاد گردد ز بویش روان

↓ ↓  
هر دو قافیه

معنی روان در مصراع ۲ : روح

گلاب است گویی به جویش روان

↓ ↓  
هر دو قافیه

معنی روان در مصراع ۱ : جاری

قافیه : به کلمات غیر تکراری گفته می شود که در پایان بیت ها و مصراع ها می آیند ، بطوری که یک یا چند حرف آخر آنها با هم مشترک است .

نکته (۱) : حرف یا حرفی که در کلمات قافیه مشترک می آیند « حروف قافیه » نام دارند .

مثال (۱) :

آتش عشق است کاندر نی فتاد      جوشش عشق است کاندر می فتاد

مثال (۲) :

سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی      چه خیالها گذر کرد و گذر نکرد خوابی

به چه دیرماندی ای صبح که جان مابر آمد      بزه کردی و نکردند موذنان صوابی

نکته (۲): اگر دو کلمه قافیه در تلفظ یکسان، ولی در معنی متفاوت باشند قافیه درست است.

مثال: آتش است این بانگ نای و نیست باد

هر که این آتش ندارد نیست باد

توضیح: این بیت دارای دو قافیه است که هر دو کلمه ی قافیه، از نظر شکل ظاهری با هم یکسان هستند اما از جهت معنی با هم فرق دارند. بطوری که نیست در مصراع اول فعل و در مصراع دوم اسم می باشد و کلمه باد در مصراع اول اسم، اما در مصراع دوم فعل دعا است.

قافیه میانی: گاهی برای غنی تر کردن موسیقی شعر علاوه بر قافیه پایانی، قافیه ای در میان مصراع می آید که به آن قافیه میانی گویند.

مثال:

ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی نروم جز به همان ره که توام راه نمایی

همه در گاه تو جویم همه از فضل تو پویم همه توحید تو گویم که به توحید سزایی

بیت مُقَفّی: ابیاتی که مصراع های دوم آنها هم قافیه باشند.

مثال:

نه چنان گناهکارم که به دشمنم سپاری تو به دست خویش فرمای اگرم کنی عذابی

دل همچو سنگت ای دوست به آب چشم سعدی عجب است اگر نگردد که بگردد آسیابی

بیت مُصَرَّع: به بیتهای گفته می شود که در هر دو مصراع آن قافیه رعایت شده باشد.

مثال:

زمین گشت روشن تر از آسمان جهانی خروشان و آتش دمان

ردیف: کلمه یا کلماتی است که بعد از قافیه در پایان مصراع ها و ابیات می آیند و عیناً از نظر لفظ و معنی یکسان می باشند.

مثال:

برق با شوقم شراری بیش نیست شعله، طفل نی سواری بیش نیست

آرزوهای دو عالم دستگاه از کف خاکم غباری بیش نیست

تذکر: بیت اول این شعر مصرع و دو بیت با هم مقفی هستند

نکته: اگر دو کلمه پایان مصراع ها یا ابیات در تلفظ یکسان اما در معنی متفاوت باشند، ردیف به حساب نمی آیند بلکه قافیه هستند.

مثال:

خرامان بشد سوی آب روان چنان چون شده، باز جوید روان

توضیح: دو کلمه « روان » بیت بالا قافیه اند زیرا کلمه

« روان » در مصراع اول به معنی جاری شده و در مصراع دوم به معنی روح و جان آمده است.

نکته (۱): بیت یا شعری که دارای ردیف باشد، مردّف نامیده می شود.

نکته (۲): آوردن ردیف در شعر اجباری نیست اما اگر شاعر بخواهد از ردیف استفاده کند بلافاصله آن را بعد از قافیه می آورد.

نکته (۳): آوردن قافیه در شعر سنتی اجباری است ولی در شعر نو (نیمایی) جایگاه خاصی ندارد.